

بررسی تطبیقی حق کپی رایت در نظام حقوقی ایران و فرانسه

سید احمد عسگری ارجنکی^۱

چکیده:

کپی رایت مجموعه ای از حقوق انحصاری است که به پدید آورنده یک اثر نوین و منحصر به فرد تعلق می گیرد و حقوقی مانند انتشار مجدد اثر، ایده برداری و کپی برداری را شامل می شود و برای مدت مقرر پس از مرگ صاحب اثر نیز این حقوق متوجه خانواده او می گردد. با فراگیر شدن قوانین مربوط به کپی رایت این دسته از قوانین به رژیم حقوقی ایران نیز راه یافتند حال آنکه کشوری مثل فرانسه بسیار پیش از ایران به این مفهوم مهم حقوقی پرداخته بود و نتیجتاً سیر تکاملی را بسیار سریع تر از ایران طی کرد. فرانسه پس از تدوین قوانین وسیع داخلی در قرن حاضر و قرن بیستم از پایه گذاران بسیاری از کنوانسیون های جهانی بود و هم اکنون در مهمترین میثاق های بین المللی در این رابطه نظیر کنوانسیون برن و میثاق تریپس حضوری فعال دارد. به گونه ای که جز در مواردی خاص از رجوع به قوانین داخلی بی نیاز است. از سوی دیگر ایران آخرین قانون مربوط به حقوق مؤلفین را در سال ۱۳۴۸ تصویب نمود و از پیوستن به مهمترین کنوانسیون ها و معاهده های بین المللی عرصه کپی رایت نیز سرباز زد که همین امر سبب ایجاد شکافی عمیق بین ایران و فرانسه در زمینه حقوق معنوی و سایر مباحث مرتبط شده است.

پژوهشنامه تطبیقی دادپیشگان
کلیدواژگان: کپی رایت، حق نشر، مالکیت معنوی، حق مؤلف، قوانین

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

^۱ نویسنده و مسئول: مدرس دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد ahmadasgari92@gmail.com

مقدمه:

کپی رایت یا حق مؤلف مفهوم نسبتاً جدیدی است که بر خلاف بسیاری از مفاهیم حقوقی تاریخیچندین زبانی ندارد. برخی آن را با مفاهیمی چون مالکیت فکری و مالکیت معنوی مترادف دانسته و برخی دیگر آن را جزء زیر شاخه های کپی رایت به شمار آورده اند و گروه سومی نیز کپی رایت را مفهومی کاملاً مجزا از سایر عبارات یاد شده می دانند. به هر روی با توضیحات ارائه شده به نظر می رسد ارائه تعریفی کامل و در عین حال کوتاه و مختصر از مفهوم کپی رایت دشوار است (میر حسینی، ۱۳۹۶، ۱۹-۱۷).

عده ای برای ارائه تعاریف کوتاه تر این مفهوم را به این صورت مطرح کرده اند: کپی رایت یا حق تکثیر، مالکیت معنوی نسبت به یک کالا توسط سازنده آن کالا است. همان طور که دیده می شود تعریف اخیر بسیار ناقص و مجمل می باشد و نمی تواند مفهوم دقیقی به مخاطب منتقل نماید و علاوه بر آن دارای اشکالات اساسی است. از جمله آنکه کپی رایت را منحصر به کالا دانسته در حالی که در عمل این گونه نیست و کپی رایت حتی ایده ها را نیز در بر می گیرد. علاوه بر آن از آنجایی که بسیاری از منابع مفهوم مالکیت معنوی و کپی رایت را مترادف دانسته اند این تعریف یک تعریف دور به شمار می رود، پس به ناچار تعریف دیگری را مورد نظر قرار می دهیم. به هر روی یکی از کامل ترین تعاریف ارائه شده برای کپی رایت بدین شرح است: کپی رایت عبارت است از مجموعه ای از حقوق انحصاری که به مؤلف یا ناشر یک اثر پایه و منحصر به فرد تعلق میگیرد و حقوقی مانند ایده برداری و کپی برداری و انتشار اثر را شامل می شود (Lee, 2002, chapter1)

حال که به طور اجمالی و مختصر با مفهوم مالکیت معنوی و کپی رایت آشنا شدیم در ادامه به چگونگی ورود قوانین مربوط به این مفاهیم به قوانین داخلی کشور های ایران و فرانسه پرداخته می شود؛ همچنین سعی می شود ضمن مقایسه پیشرفت دو کشور در این عرصه به این پرسش پاسخ داده شود که چرا کشور فرانسه به پیشتازان این شاخه حقوقی بدل شده است ولی کشور ایران در این زمینه برای سال های زیادی بدون پیشرفت قابل ملاحظه ای باقی مانده است.

۱-۱-۱ تاریخچه کپی رایت و روند تکامل آن: انسانی و مطالعات فرهنگی

هر چند هدف از نگارش این متن بررسی جایگاه کپی رایت در رژیم های حقوقی ایران و فرانسه می باشد ولی لازم به یادآوری است که توجه به حقوق مؤلفین و به خصوص حقوق معنوی آنان در عهد باستان نیز مورد توجه قرار داشته به گونه ای که نقص آن مورد سرزنش عموم قرار گرفته است. برای مثال افلاطون قرن چهار پیش از میلاد از اینکه سخنرانی هایش در سیسیل ایتالیا مورد تحریف قرار گرفته بود شکایت داشت و سیسرون خطیب مشهور رومی از اینکه آثارش بدون اجازه او منتشر شده اعتراض نمود. رویدادهای مذکور نشان دهنده این است که احترام به حقوق معنوی همواره مورد توجه بشر بوده، هر چند نمی توان تاریخ دقیقی را برای آغاز این رویه ذکر نمود. از طرف دیگر می توان گفت که کشور انگلستان نخستین کشوری بوده که به تدوین مقررات حمایتی از آثار ادبی و هنری پرداخته است. کپی رایت به مفهومی که امروزه شناخته می شود ریشه در کشور انگلستان و قرن شانزدهم میلادی دارد. حال که به طور مختصر جایگاه حقوق معنوی در عصر

باستان و ورود آن به قوانین مدون بررسی شد سیر ورود و تحولات این قانون در نظام حقوقی ایران و فرانسه را از نظر خواهیم گذراند (امامی، ۱۳۸۶، ۲۱۷).

۲-۱-۱ فرانسه:

طبیعی به نظر می رسد که قوانین راجع به حق مؤلف پیش از ایران به نظام حقوقی فرانسه راه یافته باشد، اما در مقایسه با کشورهای نظیر انگلستان مفهوم حقوق مالکیت ادبی و هنری مفهوم نسبتاً جدیدی در حقوق فرانسه است. در واقع اثری از وجود حق مؤلف در حقوق رم دیده نمی شود، در قرون وسطی نیز کسی نمی توانست ادعایی به عنوان پدید آورنده و مؤلف داشته باشد، با ظهور صنعت چاپ زمینه های ظهور حقوق مؤلفان نیز شکل گرفت. در فرانسه اولین امتیاز در سال ۱۵۰۷ میلادی توسط لوئی دوازدهم به نامه های سنت پل^۲ اعطا شده است و لیکن این اقدام را نمی توان در جهت حمایت از نویسندگان دانست بلکه باید آن را ناظر به ایجاد نوعی ملاحظات انتظامی برشمرد. در همان سال ها اقدامات مشابهی از سوی پادشاه صورت گرفت، ولی نمی توان هیچ یک را مصداق مستقیمی از حمایت از حق مؤلف به حساب آورد. سرانجام در ۱۳ تا ۱۹ ژانویه ۱۷۷۱ و ۱۹ تا ۲۴ ژانویه ۱۷۹۳ میلادی اولین مقررات قانونی مربوط به حمایت از حق پدیدآورنده در فرانسه به زمره قوانین آن کشور افزوده شدند. بر اساس این دو قانون حق نمایش یا همان اجرا برای پدیدآورندگان آثار نمایشی و همچنین حق تکثیر برای پدیدآورندگان آثار مکتوب فارغ از آنکه از چه نوعی است و همچنین موسیقی دانان و طراحان به رسمیت شناخته شد و بدین ترتیب حق مؤلف در فرانسه پا به عرصه وجود نهاد؛ هر چند هنوز عضوی حیاتی یعنی حق معنوی را شامل نمی شد. این اتفاق نیز در سال ۱۸۳۵ میلادی رخ داد و اقسام حقوق معنوی تا سال ۱۸۴۵ میلادی رسمیت پیدا کرده و در سال های ابتدایی قرن نوزدهم این موارد توسط محاکم حقوقی به رسمیت شناخته شدند و این اتفاق بسیار حائز اهمیت بود؛ چرا که همین اتفاق باعث شد قانون مالکیت فکری سال ۱۹۵۷ میلادی در فرانسه به تصویب برسد. این قانون رفته رفته تکمیل شد و در نهایت جای خود را به قانون ۱۹۸۵ میلادی داد که حقوق مجاور را نیز به عنوان حقوق مالکیت ادبی و هنری وارد حقوق فرانسه کرد (Bettig, 1996, 13-18).

۳-۱-۱ ایران:

از نظر تاریخی در مورد اینکه آیا اشکالی از حقوق مؤلفین در ایران باستان وجود داشته باشد یا خیر ادعایی مطرح شده است. برخی گفته اند که در اوستا اشاره هایی به این گونه موارد شده و برخی دیگر مدعی آن هستند که ابیاتی از شاهنامه به وجود گونه ای از آنچه امروزه به نام کپی رایت می شناسیم اشاره دارند و لیکن به دلیل اینکه منابع چندان مستدل ندارند و از پرداختن به آنان خودداری می شود. اما آنچه واضح و روشن است این است که از گذشته تا کنون در ایران اگر شعرا از ابیات شاعران دیگر استفاده می کردند آن ابیات را به نام خود نزد شاهان نمی خواندند و اشاره می کردند که صاحب اثر شاعر دیگری است که این کار به نام آرایه تضمین شناخته می شود. نکته بسیار جالب دیگر که ذکر آن خالی از لطف نیست این است که پس از ظهور اسلام " علم الرجال " کمک شایانی به حفظ حقوق معنوی مؤلفان نمود چرا که همواره از صاحب

2- Saint paul

اصلی یا راوی اثر به تفصیل و با ذکر کامل مشخصات نام برده می شد، هر چند علم الرجال در اصل با چنین منظوری ایجاد نشده بود (زر کلام، ۱۳۸۷، صص ۱۳-۱۴).

حال که به طور مختصر تاریخچه حقوق معنوی در ایران و فرانسه بررسی گردید لازم است به جایگاه حق کپی رایت در نظام حقوقی ایران و فرانسه در عصر حاضر پردازیم و برخورد رژیم های حقوقی این دو کشور با این مقوله نسبتاً جدید حقوقی را بررسی کنیم و در نهایت در مقام قیاس برآییم.

۱-۲-۱- جایگاه حق کپی رایت در نظام حقوقی فرانسه:

همان طور که در تاریخچه گفته شد قوانین کشور فرانسه در این رابطه بارها مورد تغییر و اصلاح قرار گرفتند که آخرین بار این امر در ۷ مارس ۲۰۰۶ اتفاق افتاد و این قانون را می توان یکی از کامل ترین قوانین در این زمینه نام برد ولی نباید از این نکته ضروری هم غافل شد که امروزه در دنیا و به خصوص در کشورهای عضو اتحادیه اروپا نمی توان هیچ قانونی را مستقل از قوانین بین المللی و معاهده نامه های بین کشورها دانست. پس طبیعی است که قوانین مربوط به امر کپی رایت در فرانسه نیز از این قاعده مستثنی نباشد. بنابراین قوانین داخلی راجع به حقوق مؤلف در فرانسه یا با معاهدات بین المللی در این زمینه ها هماهنگ شده اند و یا اگر بین آنها اختلافی وجود دارد طبق قوانین بین المللی، معاهدات نسبت به قوانین داخلی ارجحیت داده می شود و لازم الاجرا می باشند (kwall, 2010, 30). در نتیجه طبیعی است که برای درک بهتر و چگونگی وضعیت کپی رایت در کشور فرانسه باید معاهده ها و توافق نامه های بین المللی که فرانسه به آنها پیوسته است را مطالعه کنیم. فرانسه را می توان از نخستین کشوری نام برد که در زمینه حل معضل سرقت ادبی با کشورهای دیگر معاهدات دو یا چند جانبه به امضا رسانده است. برای نمونه تا پیش از سال ۱۸۵۲ میلادی فرانسه با دولت های هلند، ساردینیا، پرتغال، هانور و انگلستان قرار دادهای دو جانبه ای به امضا رساند و قوانین مربوط به کپی رایت را عمومی نمود و همچنین برای نخستین بار فرانسه با تصویب قانونی امکان ثبت آثار نویسندگان خارجی در فرانسه را فراهم نمود و لیکن از آنجایی که بسیاری از این معاهدات امروزه منسوخ شده و جای خود را به توافق نامه های مدرن داده اند از ورود به ماهیت و بررسی تاریخی آنها خودداری کرده و به جای آن مهمترین معاهدات بین المللی نوین که فرانسه به آن ها پیوسته است را از نظر می گذرانیم.

الف) کنوانسیون برن^۳: این کنوانسیون بی شک مهمترین معاهده نامه ای می باشد که در زمینه حقوق معنوی مؤلفان نگاشته شده. این عهد نامه در سال ۱۸۸۶ و در شهر برن سوئیس تصویب شد ولی بدون تردید فرانسه مهمترین نقش را در انعقاد آن به عهده داشت و ویکتور هوگو نویسنده نامدار فرانسوی نیز در تهیه پیش نویس آن تلاش های فراوانی کرد. امروزه ۱۷۵ کشور به کنوانسیون برن پیوسته اند. این کنوانسیون نخستین بار به زبان فرانسوی نوشته شد و بعد تر به زبان های دیگر ترجمه شد. بر اساس کنوانسیون برن کلیه آثار (به غیر از آثار سینمایی و عکاسی) حداقل ۵۰ سال بعد از مرگ پدیدآورنده مورد حمایت قرار گرفته اند. منظور از کلمه "حداقل" در بالا آن است که کشورها در قوانین داخلی خود می توانند سنوات حمایت را بیشتر از ۵۰ سال در نظر بگیرند ولی کمتر از آن نمی شود. همچنین به موجب این عهد نامه در صورت بروز اختلاف

در بعد فراملی جهت پرهیز از تفاسیر و استنادات گوناگون همان ۵۰ سال ملاک خواهد بود (قضا، ۱۳۸۵، ۳۴ و ۳۵).

(ب) میثاق جهانی کپی رایت^۴: بر خلاف کنوانسیون جهانی برن که فرانسه از پیشتازان و پایه گذاران آن بود در مورد میثاق جهانی کپی رایت فرانسه نقش اساسی نداشت. این میثاق در ۱۹۵۲ میلادی در ژنو سوئیس منعقد شد و از همین روی به میثاق ژنو نیز شناخته می شود و باید بنیانگذار آن را یونسکو دانست. هر چند هدف از انعقاد این پیمان اساساً درگیر کردن کشورهای در حال توسعه با قوانین بین المللی کپی رایت بود (چرا که بسیاری از کشورهای در حال توسعه به دلایلی به کنوانسیون برن نپیوسته بودند) و لیکن در سال ۱۹۵۵ میلادی فرانسه نیز رسماً به آن پیوست. از نظر فنی این معاهده نکته جدیدی برای کشورهای توسعه یافته از جمله فرانسه نداشت ولی باعث شد قوانین مدرن عرصه کپی رایت به سمت کشورهای جهان سومی تکثیر شود و کشورها از مزایای آن بهره مند گردند. بدیهی است انتفاع کشور فرانسه در این رابطه بسیار بیشتر بود زیرا آثاری که از کشور فرانسه در ملل در حال توسعه منتشر می شوند بسیار زیادند و همین باعث شده تا امروز مزایای مادی فراوان حاصل از حق نشر و تکثیر و ایده برداری نصیب مؤلفان فرانسوی گردد و این امر بدون انعقاد میثاق ژنو مطلقاً ممکن نمی شد (simon, 2013, 34).

(ج) پیمان وایپو (wipo): این پیمان که می توان آن را پیمان در زمینه جهانی حمایت از مالکیت فکری ترجمه کرد در ۲۰ دسامبر ۱۹۹۶ میلادی منعقد شد و دارای ۹۶ عضو از جمله فرانسه می باشد و کمی بعدتر از آن یعنی در ۹ اکتبر ۱۹۹۷ میلادی به این پیمان ملحق شد. از آنجایی که این پیمان را باید در جهت تکمیل و رفع نقص کنوانسیون جهانی برن برشمرد در اینجا از پرداختن بیشتر به مفاد آن پرهیز می شود. ولی این امر از درجه اهمیت آن نمی کاهد چرا که از نقطه نظر فنی کاستی ها و ابهامات زیادی را رفع نمود (کرد بچه، ۱۳۹۰، ۵۳).

(د) موافق نامه trips: این موافق نامه که معادل فارسی آن موافق نامه راجع به جنبه های مرتبط با تجارت حقوق مالکیت فکری می باشد در اول ژانویه ۱۹۹۵ میلادی به ثبت رسید و فرانسه نیز به آن پیوسته است که توسط سازمان تجارت جهانی اداره میگردد. از نظر محتوایی تفاوت بنیادینی با کنوانسیون برن ندارد ولی از آنجا که از زیر شاخه های سازمان تجارت جهانی است تعداد اعضای آن بسیار زیادند (۱۶۲ عضو) و هدف آن تامین حداقلی حقوق مؤلفان می باشد.

(و) پیمان های دو جانبه و چند جانبه اروپایی: در بخش الف گفته شد که کنوانسیون برن آثاری مثل عکاسی و آثار سینمایی را مورد حمایت قرار نمی دهد. علاوه بر اینها با مطالعه مواد آن می توان کمبود های دیگری را در این زمینه نیز یافت. در همین راستا کشورهای اروپایی در پی آن برآمدند تا با امضای تفاهم نامه هایی در سطح اتحادیه اروپا این نقص را رفع نمایند که تا حدود زیادی موفق شدند و فرانسه نیز از پیشرو ترین آنها بوده. به دلیل فراوانی و پیچیدگی آنان در اینجا به ذکر مثال کوتاه اکتفا می شود. در قوانین داخلی فرانسه مدت زمانی که برای حمایت از آثار مربوط به عکاسی است ۵۰ سال پس از مرگ صاحب اثر پیش بینی شده (که جای آن در کنوانسیون برن خالی است) در سال ۱۹۹۳ میلادی ذیل موافقت نامه ای بین فرانسه و چند

کشور مهم اروپایی این امر میان این کشورها نیز به رسمیت شناخته شد (بیان فر، عماد خراسانی، ۱۳۸۷، ص ۱۲).

در مثالی دیگر به دلیل مشترکات زبانی زیاد بین بلژیک و فرانسه و تبادل زیاد آثار سینمایی، این نوع آثار (اعم از فیلم نامه و نمایش نامه و امثالهم) طی موافق نامه ای دو جانبه بسته به نوع آن تا حداقل ۲۵ سال پس از مرگ مؤلف تحت حمایت قرار گرفتند. حالا که قوانین مربوط به کپی رایت در نظام حقوقی داخلی آنها مدت زمان آن را بیشتر در نظر گرفته و این عمل از جهت تسهیل تبادلات فرهنگی می باشد (میر حسینی، ۱۳۸۵، ص ۶۲-۶۴).

۱-۲-۲- جایگاه حق کپی رایت در نظام حقوقی ایران:

با یک بررسی اجمالی در می یابیم که حقوق مؤلف در رژیم حقوقی ایران پیشینه چندانی (در مقایسه با فرانسه) ندارد. اولین مقررات مرتبط با این امر در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ شمسی مطرح شد و در موادی از آن قانون از جمله ۲۱۳ مکرر و همچنین مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ به مقررات حقوق مؤلفان پرداخته شده بود. لازم به ذکر است که این مواد عملاً ترجمه ای از قوانین فرانسه به حساب می آمد. مورد بعد که منجر به تکامل کپی رایت در کشورمان گردید را باید در فصل یازدهم قانون جزا مصوب ۱۵ خرداد ۱۳۱۰ شمسی جست و جو نمود که در باب " دسیسه و تقلب در کسب و تجارت " مواردی از جمله چاپ، تألیف یا تصویب اثر دیگری بدون اجازه صاحب اثر و همچنین استفاده از آثار مؤلف و مصنف در اثر دیگری بدون ذکر منبع جرم انگاری شده بود. حد فاصل سال های ۱۳۱۰ تا ۱۳۴۸ شمسی طرح و لوایح بسیاری در این زمینه مطرح گشت ولی هر یک از آنان به دلایلی منجر به نتیجه نشد و عملاً عقیم ماندند. در نهایت در دی ماه سال ۱۳۴۸ شمسی و در اقدامی نوآورانه " قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان " شامل ۳۲ ماده و ۳ تبصره به تصویب مجلس وقت رسید و آیین نامه اجرایی آن نیز در سال ۱۳۵۰ مورد تصویب هیات وزیران قرار گرفت. این اقدام بی شک مهمترین رویداد در زمینه حقوق مؤلفان از ابتدای تاریخ نوین ایران تا کنون به حساب می آید و همچنان لازم الاجرامی باشد و آثار آن بر روابط مؤلفان و پدیدآوردگان و انتشار دهندگان و مصرف کنندگان این گونه آثار سایه افکنده است. بر اساس ماده ۳۲ این قانون مواد ۲۴۵ تا ۲۴۸ قانون جزای عمومی مصوب ۱۳۱۰ قابلیت اجرایی خود را از دست داده و منسوخ گردید. درباره روند تکاملی این قانون باید اضافه کرد که بدلیل تفاسیر گوناگون و برخی سوء استفاده ها از موادی نظیر ماده ۲۲ در سال ۱۳۵۲ شمسی " قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی " به تصویب رسید که نسبت به قانون مصوب ۱۳۴۸ جنبه تکمیلی داشت و براساس آن تکثیر کتب و مجلات به همان زبان و شکلی که چاپ شده و به قصد فروش یا انتفاع مادی از طریق چاپ افست، عکسبرداری یا هر روشی بدون اجازه صاحب اثر ممنوع می شد. با وقوع انقلاب اسلامی موضوع کپی رایت با این پرسش که آیا قانون حمایت از مؤلف (با توجه به پیشینه غربی آن) جایگاهی در احکام اسلامی دارد یا خیر مواجه شد و مراجع پاسخ های متفاوتی به آن دادند. آیت الله سید بحرانی و آیت الله خامنه ای از جمله موافقان و امام خمینی و آیت الله بهجت نیز از مخالفان این مبحث به شمار می روند که به دلیل پرهیز از ورود به مباحث فقهی از ذکر دلایل هر کدام از آنان خودداری می گردد. به هر روی پس از وقوع انقلاب اسلامی نیز قانون مصوب سال ۱۳۴۸ شمسی اعتبار خود را از دست نداد و همچنان لازم الاجرا

می باشد و در صورت بروز دعاوی مربوط به نقض حقوق مؤلفین قضات مکلف به اجرا و صدور حکم بر اساس آن می باشند (بیان فر، عماد خراسانی، ۱۳۸، ۷۳).

۱-۲-۳- ایران و معاهدات بین المللی:

در عرصه معاهدات دو یا چند جانبه جهانی و همچنین کنوانسیون های بین المللی باید ایران را یکی از منحصربه فردترین کشورهای جهان به شمار آورد چرا که تا کنون از پیوستن به مهمترین کنوانسیون های مربوط به تضمین حقوق مؤلفین سر باز زده و از مزایای آن بی بهره است. برای نمونه امروزه کمتر کشوری را می توان یافت که به کنوانسیون برن که پیشتر در مورد آن صحبت شد نپیوسته باشد و در میان معاهدات جهانی نیز معتبرترین کنوانسیون همین کنوانسیون برن است. ولی متأسفانه کشورمان تاکنون به آن ملحق نشده. برخی این ادعا را مطرح کرده اند که پیوستن ایران به کنوانسیون صرفه اقتصادی ندارد چرا که تا کنون آثار بسیاری اعم از کتب و مقالات و آثار سمعی و بصری از کشورهای دیگر به کشورمان وارد شده و بدون اجازه صاحبان اثر مورد استفاده قرار گرفته اند و اگر ایران به معاهده برن بپیوندد باید ابتدا تمامی حقوق مؤلفان را بپردازد که این به معنای هزینه ای سرسام آور است و از سوی دیگر آثاری که از کشور ما به کشورهای دیگر راه یافته و مورد استفاده قرار گرفته معمولاً مربوط به شعرای پیشین است که به دلیل انقضای مدت مقرر دیگر تحت حمایت کنوانسیون قرار نگرفته و منفعت مادی عاید کشورمان نمی شود، پس عضویت ایران در این پیمان منطقی نیست.

از سوی دیگر عده ای با نقد این نظر مدعی آن اند که اگر آثار کشورمان تحت حمایت معاهداتی چون کنوانسیون برن قرار بگیرد پدیدآورندگان نیز ترغیب میشوند تا آثاری با کیفیت تر تولید کنند تا با استفاده آن ها توسط کشورهای دیگر از مزایای مادی آن برخوردار شوند. فارغ از کنوانسیون برن تنها معاهده معتبر و جهانی در این عرصه که کشورمان به آن پیوسته است کنوانسیون تاسیس سازمان جهانی مالکیت فکری "wipo" می باشد که لایحه الصاق جمهوری اسلامی ایران به آن در تاریخ ۱۳۸۰/۰۷/۰۴ در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید. این لایحه در تاریخ ۱۳۸۰/۰۷/۲۵ به تأیید شورای نگهبان رسید و سرانجام در ۱۳۸۰/۱۲/۲۳ ایران به عضویت کنوانسیون فوق درآمد. در سایر موارد ایران به هیچ یک از کنوانسیون ها و میثاقی که در مورد فرانسه ذکر شد نپیوسته و همین امر کشورمان را از بسیاری تبادلات فرهنگی که امروزه حتی در میان کشورهای همسایه ایران نیز رایج است دور نگاه داشته اند. در مورد معاهدات دو جانبه نیز وضع بهتر نیست چرا که تنها در یک مورد و در زمان پهلوی اول ایران و آلمان عهد نامه ای متقابل را به امضاء رساندند که بر اساس آن اتباع ایرانی و آلمانی دارای حقوق مساوی بودند و از مزایای قوانین مربوط به حق پدید آورنده به مانند یکدیگر بهره مند می شدند. این پیمان هم اکنون از درجه اعتبار ساقط است. پس از آن نیز پیمانی مشابه در این زمینه با سایر کشورها به چشم نمی خورد. (الستی، ۱۳۸۶، صص ۹۴-۹۲)

۱-۲-۴- مقایسه جایگاه حق مؤلف در نظام های حقوقی ایران و فرانسه:

چنانچه گفته شد فرانسه یکی از پیشروترین کشورها در این عرصه به شمار می رود و در سوی دیگر ایران از معدود کشورهایی است که حتی به مهمترین عهدنامه جهانی مربوط به این امر نیز نپیوسته و قوانین داخلی کشورمان هم مربوط به حدود نیم قرن پیش است که همین امور عملاً مقایسه ایران و فرانسه در عرصه

حقوق مربوط به مؤلفین را غیر ممکن و نادرست می نماید. ولی این بدین معنا نیست که برای پر کردن این فاصله به سالیان متعددی نیاز است تا قوه مقننه ایران با وضع قوانینی اوضاع حقوق مؤلفان را سر و سامان بخشد چرا که برخی کشورها که حتی از ایران نیز در این عرصه عقب افتاده بودند پس از پیوستن به عهد نامه های بین المللی این خلأ را ظرف مدت کوتاهی پر نمودند پس کشور ما نیز می تواند از این الگو پیروی نماید. مفهوم دیگری که از توضیحات قبل خارج می شود آن است که امروزه برای مقایسه نظام های حقوقی دو کشور در عرصه کپی رایت (که در ایران و فرانسه مورد بحث قرار گرفته اند) عملاً نیازی به قیاس قوانین داخلی آنها در این زمینه نیست چرا که در عصر حاضر و در این موضوع خاص معاهدات و کنوانسیون های بین المللی بر قوانین داخلی چیرگی یافته اند و تنها در مواردی انگشت شمار است که کشورها در هنگام تعارض، قوانین داخلی را ملاک عمل قرار می دهند پس با این اوصاف بهتر است برای قیاس عملکرد کشورها در رابطه با کپی رایت به جای قیاس قوانین داخلیشان چگونگی اجرا و پایبندی آن ها به کنوانسیون های بین المللی که به عضویت آنها در آمده اند را بررسی نماییم پس یک قیاس منصفانه و صحیح بین نظام های حقوقی ایران و فرانسه در زمینه حقوق مؤلفان و مالکیت معنوی تنها هنگامی میسر است که هر دوی این کشورها در تعدادی از این معاهدات به طور فعال حضور داشته باشند و یا حداقل در مهمترین آن که همان کنوانسیون برن است حضور داشته باشد که بدلیل عدم پیوستن ایران به این میثاق این امر تا کنون میسر نشده است و تنها راه باقی مانده برای سنجش این دو کشور رجوع به قوانین ملی و آرای محاکم آن ها است (Levman, 1968, 52,53).

خوشبختانه از زمان تصویب قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان تا کنون در محاکم ایران بارها پرونده هایی در خصوص نقض حق مؤلفان از جمله سرقت ادبی و امثالهم مطرح شده و بر اساس قانون مذاکور آرای صادر شده که بسیاری از آن ها منطقی و منصفانه به نظر می رسد. برای نمونه در سال ۱۳۶۶ کتابی که حاوی سخنان بزرگان بود به چاپ رسید و زمانی که چاپ پانزدهم آن در سال ۱۳۸۳ منتشر شد در همان سال کتاب دیگری توسط مؤلف و ناشر دیگری ولی با همان مضامین منتشر شد. در ادامه مؤلف کتاب نخستین (چاپ ۱۳۶۶) شکایتی را به دادسرا تقدیم نمود و پس از کش و قوس های بسیار قاضی حکم به کپی برداری صد در صد کتاب دوم از کتاب اول داد و رای بر اساس قانون مصوب ۱۳۴۸ صادر شد. با مطالعه اجمالی در تاریخ آرای محاکم ایران به موارد بیشتر و تحسین برانگیزی در این رابطه برمیخوریم ولی در مقام قیاس اگر موارد مشابه را در کشور فرانسه بررسی کنیم متوجه تفاوت ها و حتی کاستی های بسیاری می شویم. برای نمونه در کشور فرانسه دادگاههای تخصصی برای طرح اینگونه مسائل ایجاد شده اند و همین امر رسیدگی و فرآیند دادرسی را تسهیل می کند. به جز آن در محاکم فرانسه جهت تشخیص موارد حقوق مؤلف از نرم افزارهای تشخیص کپی برداری بسیار پیشرفته استفاده می شود که این امر هنوز در کشور ما زیر ساخت های لازم را ندارد و در نهایت در کشور فرانسه کارشناسان خبره و متخصصی وجود دارند که در جهت تشخیص نادیده گرفته شدن حقوق صاحبان اثر همواره قضات از وجود آنان بهره مند می شوند و آرای خود را بر اساس نظارت آن ها صادر می کنند و این در حالی است که در کشور ما اصولاً رسیدگی به این موارد تنها به وسیله قاضی صورت می گیرد و آرا طبق نظر او صادر می شود در حالی که در موارد بسیاری قضات تخصص لازم در این عرصه را نداشته و از حضور کارشناسان زبده نیز محروم هستند پس به ناچار بر اساس سلیقه شخصی اقدام

به صدور رای می کنند که گهگاه باعث صدور آرای غیر منصفانه می شود (محمد زاده وادقانی، ۱۳۹۳، ۲۶۰ و ۳۰۳-۳۰۰).

نتیجه گیری و پیشنهادات:

بر اساس مطالبی که تا کنون بیان شد قوانین کپی رایت و مباحث مرتبط با آن اولین بار در اروپا مورد توجه قرار گرفت و فرانسه هر چند اولین کشوری نبود که این قوانین را وارد نظام حقوقی خود کرد ولی قطعاً یکی از پیشروترین کشورها در این زمینه بوده است. با گذر زمان و نهادینه شدن مباحث مرتبط با حقوق مؤلفان و کپی رایت در قوانین کشورهای مختلف رفته رفته این قوانین جنبه فراملی یافتند و نیاز به عقد میثاق های جهانی در این رابطه حس میشود که در نهایت پیمان ها و کنوانسیون های ارزشمندی در این زمینه تصویب شد که تقریباً در همه آنها کشور فرانسه نقشی کلیدی ایفا می کرد که مهمترین آنها کنوانسیون برن (مصوب ۹ سبتمبر ۱۹۸۶ میلادی) بود و مطابق انتظار فرانسه مهمترین پایه گذار آن به شمار می رود. در سوی دیگر ایران در مقایسه با فرانسه بسیار دیر اقدام به تصویب قوانین تخصصی در رابطه با مباحث کپی رایت نمود. به هر حال در سال ۱۳۴۸ خورشیدی کامل ترین قانون ایران در این زمینه ذیل نام قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان به تصویب رسید که هنوز هم لازم الاتباع است. از سوی دیگر در عرصه بین المللی نیز عملاً ایران به هیچ یک از کنوانسیون های مهم ملحق نشده و برای این اتفاق دلایلی را مطرح کرده که به عقیده بسیاری از کارشناسان این نقص را توجیه نمیکند و همه این ها در حالی است که فرانسه در تمامی میثاق های جهانی مربوط به کپی رایت حضور فعالانه دارد و تمامی توضیحات بالا باعث می شود مقایسه این دو کشور در این موضوع خاص منصفانه به نظر نرسد. از سوی دیگر اگر در مقام بررسی رویه قضایی دو کشور برآیم در ایران آرای در این زمینه یافت می شود که مایه امیدواری اند هر چند در مقایسه با ساز و کار پیشرفته دادگاههای فرانسه باز هم قرار دادن دو کشور در کفه ترازوی قضاوت مشکل می شود. حال برای بهبود جایگاه کشورمان در این زمینه راهکارهای مختلفی به ذهن متبادر می شود که برخی از آنها در زیر مطرح می شود. اولاً: بهتر است ایران هر چه سریعتر همانند اکثر کشورهای دنیا به کنوانسیون های معتبر جهانی مرتبط ملحق شود و برای پرداخت هزینه های آن تمهیداتی را در نظر بگیرد. ثانیاً: با نگاهی به قوانین کشورهای توسعه یافته قوانین داخلی جدید تری را به تصویب رسانده و قوانین گذشته را اصلاح نماید چرا که قوانین جهانی در این راستا هر روز گسترش میابند و این در حالی است که قوانین ایران در این موضوع به ۵۰۰ سال پیش باز میگردند. ثالثاً: با الگو گیری از کشورهای نظیر فرانسه رویه قضایی خود را بهبود ببخشد و ساز و کار رسیدگی را مدرن کند و برای تحقق این امر لازم است همانند کشور یاد شده همزمان از نرم افزارهای جدید که قادر به کشف سرقت ادبی و موارد مشابه هستند استفاده نماید و از کارشناسان تحصیل کرده و خیره در جهت صدور رای عادلانه بهره مند شود.

۱-۲-۵- منابع و مآخذ:

الف) فارسی:

۱. امامی، اسدالله (۱۳۸۶). حقوق مالکیت معنوی، جلد یکم، انتشارات میزان.
 ۲. الستی، ساناز (۱۳۸۶). حقوق کیفری مالکیت ادبی و هنری در ایران و بررسی تطبیقی آن با آمریکا و قراردادهای بین المللی، چاپ دوم، نشر میزان.
 ۳. بیان فر، علی، دخت عماد خراسانی، شیرین (۱۳۸۷). حقوق نسخه برداری در آینه قضاوت، نشر کتابدار.
 ۴. حسینی نیک، سید عباس (۱۳۹۲). سیاست جنایی ایران در حقوق تألیف و نشر، انتشارات مجد.
 ۵. زرکلام، ستار (۱۳۸۷). حقوق مالکیت ادبی و هنری، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها، تهران.
 ۶. صفایی، سید حسن (۱۳۸۶). قراردادهای حقوق مؤلف، نشر دادگستری.
 ۷. کرد بچه، مرجان (۱۳۹۰). حقوق حاکم بر آثارهای هنری و کنوانسیون های بین المللی، نشر خرسندی.
 ۸. قضاع، محمد (۱۳۸۵). قانون کپی رایت، نشر پیکان.
 ۹. محمد زاده، علیرضا (۱۳۹۳). گفتاری در حقوق بین الملل مؤلف و حقوق مجاور، بنیاد حقوقی میزان.
 ۱۰. میر حسینی، سید حسن (۱۳۸۵). فرهنگ حقوق مالکیت معنوی، جلد دوم، نشر میزان.
 ۱۱. کلمبه، کلود (۱۳۹۰). اصول بنیادین حقوق مؤلف و حقوق مجاور در جهان، چاپ دوم، ترجمه و توضیح علیرضا محمد زاده، نشر میزان.
- ب) انگلیسی:
1. Rosenthal kwall, Roberta (2010). The soul of creativity.
 2. Ronald, Bettig (1996). Copyright culture, the poetical economi of intellectual property, westview press.
 3. Ray, Leyman, (1968). Copyright in historical perspective, Vanderbilt university.